



۲۰۲۲/۰۱/۰۷

احسان لمر

نهضت امانیه و ارتجاع سیاه (1)

نهضت امانیه و شخصیت «شاه امان الله آفتابی است که با دو انگشت نه بلکه با هزار انگشت هم پنهان نمیشود!» بگذار دشمن وطن چه خارجی و چه داخلی، چه سیاه ترین تحجر وطن فروش، چه سرداران امتیاز و مستمری باخته محمد زانی در دوره امانی یکی به دنبال دیگر از دیروز تا امروز پرده سیاه اندیشه شان را روی این دوره بکشند و به آن تعرض و توهین نمایند.

«از سال 1879 الی 1919 پلان تجرید افغانستان توسط بریتانوی ها عملی گردید که 130 سال را در بر گرفت . انگلیس ها طی همین مدت با مهارت تبلیغاتی شان افغان ها را به جهانیان بحیث یک قوم وحشی ، نا متمدن، غرق در خرافات، جنگجو و بی اتفاق معرفی می کردند....»

سیاست انگلیس این بود تا افغانستان بحیث یک کشور عقب مانده، دست نا خورده، انکشاف نیافته باقی بماند، تا بحیث یک مانع طبیعی در برابر تجاوز گران اروپائی قرار داشته باشد... باید مردم شان از تماس با خارجی ها دور نگهداشته شوند تا تعصب شان نسبت به بیگانه از میان نرود و صرف انگلیسیها از آن به سود خودشان استفاده کنند»¹

در جریان قرن هجده و نوزدهم میلادی و اوج سلطه استعماری در آسیا - آفریقا و امریکای لاتین، یکی از حربیه های شیطانی غرض بقای تسلط شان ارسال جواسیس در لباس روحانی و ملا و تاجر و طبیب معلم و مستخدم و آشپز و به شمول استخدام درباریان بود که کشور عزیز ما هم از این نعمت عقب نماند حتی سرداران چون ولی محمد لاتی - سردار محمد حسن - سردار محمد اسلم - سردار شیر علی و غیره را در خدمت گرفتند.

«طوریکه از صفحات تاریخ و خاطرات خاطره نویسان بر می آید انگلیسیها با مهارت و زیرکی خاص هم به دربار ها نفوذ می کردند و هم میان حلقات صاحب نفوذ قومی و روحانی این ممالک، آنها که خود شانرا نمونه تهنیب و تمدن وقت می پنداشتند از اتکا به عناصر اوباش - دزد و رهن در تحقق سیاست های شان دریغ نمی ورزیدند. عمده ترین وسیله این کار پرداخت پول بود، بدین وسیله اشخاص را می خریدند.»²

«حافظ سیف الله یکی از مسلمانان هند بود که از طرف انگلیس ها بحیث نماینده منافع انگلیس در دربار حبیب الله گماشته شده بود. حبیب الله هم صرف به عنوان اینکه سیف الله مسلمان بود او را به دربار خویش پذیرفت، غافل از اینکه او تا چه اندازه در خدمت گذاریش به انگلیس وفادار و صادق بود»³

«امیر حبیب الله و هم سردار نصر الله به نقیب بغداد (سید عبدالرحمن) ارادت داشتند. هنگامی که سید حسن افندی برادر نقیب در سال 1904 با امیر گفتگو نمود، امیر از او دعوت نمود که در کابل اقامت گزیند و حتی امیر در نظر داشت

¹ - محمد ولی - توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان الله غازی - اداره نشراتی القلم پشاور حمل 1378 ص 9 و 12

² - همان جا ص 23

³ - سید رسول - نگاهی به عهد سلطنت امانی - طبع دوم نشرات میوند پشاور جوزای 1377 ص 24

که یکی از خواهران خود را به عقد سید حسن افندی در آورد.... زمانی که فهمیده شد که نقیب صاحب طرفدار بریتانیه است امیر حبیب الله سایر شخصیت های مذهبی از مناطق سرحدی را مانند "ملا پاونده از وزیرستان، ملا سید اکبر اخندزاده آکاخیل افریدی) از تیرا و ملا صافی را در سال (....) دعوت نمود»⁴

نوت: در مورد سال دعوت امیر از روحانیون اشتباهاً 1897 نوشته شده که صرف اشتباه طباعتی است

بقول از مرحوم شیون ضیائی، « نامه از دکتر وزیر محمد (مسلمان هندی) از جمله اجنت های مخفی سفارت انگلیس در افغانستان عنوانی اختر محمد پسر ناظر محمد صفر بدست آورد که در آن تذکر داده شده بود "... تمام اعضای هیأت همراهان امیر (حبیب الله خان سراج - لمر) به هند به شمول آنهای که در نامه تذکر یافته جاسوس انگلیس اند.»⁵

«... بانیست امان الله خان را از نو شناخت و دانست که او نه ملحد بود و نه کافر بلکه مدعی اتحاد جهان اسلام علیه استعمار بریتانیا بود که لوزه بر بنیاد امپراطوری بزرگ انگلیس انداخته بود. انگلیس آن مهارت و امکان را داشت که بر ضد اعلیحضرت امان الله خان توطئه عظیمی را راه اندازد، کشور را در یک بحران عمیق اندر سازد و بعد دولت دیکتاتوری خونین را بر کشور مسلط گرداند، مخالفین خود را در آتش آن بحران و دیکتاتوری از میان بردارد و در رقابت جهانی آن زمان خاطرش را از ناحیه آزادی خواهان، استقلال طلبان و مدعیان بیداری آسیا و جهان اسلام در افغانستان آرام سازد تا از توسعه این جنبش به سائر مستعمراتش جلوگیری نماید.»⁶

اولسن ریفورم های دور امانیه در عنوان «تجدد طلبی اسلامی یا جدا ساختن دین از دولت» را چنین خلاصه نمود «سیاست تجدد شاه امان الله را باید در بلا تکلیفی آن در بین فلسفه طرزی مبنی بر مودل اسلامی تجدد طلبی و نمونه عملی تجدد طلبی غیر مذهبی جوانان ترک درک کرد»⁷

وی ریفورم های آن دوره را در مفاهیم ذیل ارزیابی نموده است:

- ✓ غیر روحانی ساختن تاسیسات یعنی تعدیل تشکیلاتی نظام.
- ✓ غیر روحانی ساختن شغل و پیشه یعنی تعدیل خصوصیات وظیفوی موسسات مذهبی و حکومتی.
- ✓ غیر روحانی ساختن از لحاظ حقوقی، یعنی تعدیل ساختار حقوقی جامعه.
- ✓ غیر روحانی ساختن سمبولیک، یعنی تغییرات در بخش های فرهنگ ملی (آنچه اتاترک عملی نمود مانند غیر قانونی ساختن کلا قرمز منگوله دار با فس و لغو خلافت در ترکیه)

اولین علایم اغتشاش نیرو های سیاه در (1923 م) توسط برادر حضرت صاحب چهار باغ شروع شد که این نظر را پیش کشید که «نظام نامه بر ضد ترقی تعالیم اسلامیت» هدف وی «افزایش تعداد مضامین غیر مذهبی به منظور ایجاد سیستم تعلیمی غیر روحانی که هر دو انحصار حاکم مذهبی بر تعلیم و تربیه را تخریب می کرد بود. تا جائیکه به افراد قبائلی مربوط می شد پریشانی آنها جنبه مادی داشت بدین معنی که افریدی و مهمندی ها از حقوق و معاش کمتری که نسبت به امیر گذشته به آنها داده می شد ناراض بودند»⁸

4 - به نقل از هاملتن 1906: 442) استا اولسن - اسلام و سیاست در افغانستان - ترجمه خلیل زمر بهار 1999 چاپ اول ص 98)

5 - محمد رحیم شیون ضیائی - برگ های از تاریخ معاصر افغانستان - ترجمه سخی غیرت چاپ پشاور ص 23

6 - محمد ولی - ص سوم مقدمه

7 - اولسن ص 124

8 - همانجا ص 131

«پاولادا می گوید که پس از آنکه نور المشایخ جلای وطن اختیار کرد. امان الله بر خانواده حضرت صاحب شک داشت

که در خدمت سرویس استخباراتی انگلستان در آمده و علیه حکومت افغانستان توطئه می کند»⁹

در اعلامیه شورش شوم شینوار که گویا توسط محمد افضل و محمد علم نوشته شده بود ولی در واقعیت محصول افکار مذهبیون تحصیل کرده (مثل خانواده حضرات مجددی و سید حسن نقیب) باشد و در آن آمده بود:

➤ امیر امان الله از شریعت صرفنظر نموده و قوانین مختص به خود را تدوین نموده است.
➤ این قوانین نا مناسب بدون دلیل مستند پذیرفته شده است.

➤ ازدواج با چهار زن که در قرآن اجازه داده شده، به یک زن محدود گردیده است.

➤ برای کارمند ان دولتی طلاق اجباری زنان معین شده است.

➤ قطع موی و از بین بردن چادر زنان و برهنه نگهداشتن بازو و پستان های آنها.

➤ از بین بردن چادری زنان.

➤ فرستادن دختران جوان به اروپا.

➤ تغییر روز جمعه و روز حج.

➤ تشویق رشوت و فساد.

➤ باز نمودن تیاتر و سینما و سایر جا ها بر سرگرمی.

➤ روز لویه جرگه امیر امان الله در حضور همه بزرگان افغانستان کلمات توهین آمیز به محمد پیغمبر خدا که بر او سلام باد، ادا نمود. بنا براین او کافر شده و سزاوار مرگ است.»

تحصیل زن و آگاهی زن هم دردی لا علاج و بی درمان احتجاج و عقب گرایان است. که از آن زمان تا اکنون در کشور ما ادامه دارد. {از اعلامیه شورش شینوار تا فرمان حبیب الله کلکانی از فتوای دارالافتا رژیم برهان الدین ربانی و امریه ملا محمد عمر و طالبان امروزه} همه در مقابل آگاهی و بیداری زن بودند و هستند. زیرا در عقیده و راه این ها زن در جمع وسائل خانه است و حتی روحانیون عرب سعودی و اخوند های ایران زن را در ردیف حیوانات مثل بز و گوسفند قلمداد می کنند، و حتی بد تر و نهایت توهین آمیز تر از آن.

اولسن نوشته در عین زمان اغتشاش شینوار، هموطنان شیعه مذهب و اسماعیلیه ما موضع دفاع از رژیم امانیه داشتند به قول از منابع انگلیسی «علمای کربلا و نجف تصمیم گرفته بودند که طی ارسال پیام به هزاره ها، آنها را در دفاع از امان الله راهنمایی کنند» بریتانوی ها نتیجه گرفتند که این گام بخاطر دشمنی با انگلیس ها برداشته شده زیرا این علما معتقد بودند که اغتشاش بر ضد امان الله توسط انگلیس ها کار سازی شده است.»¹⁰

مرحوم محی الدین انیس منحبث ژونالیست نهایت آگاه و شاهد صحنه معلومات دست اول در باره دارد، او در آخرین اثر پر بها خود همچو فیض محمد کاتب با نهایت ژرف بینی و عمق واقعیت زمان را منعکس نمود او در مقدمه کتابش نوشت: " قلم هیچ افغان و زندوست بنوشتن حوادث و وقایع مولم اغتشاش گذشته که در تاریخ وطن بدون اراده ثبت

⁹ - همین مأخذ ص 144

¹⁰ - اولسن ص 158

شده است به آسانی اقدام کرده نمیتواند و اگر نوشت حتماً حالت روحی او بزیر کابوس های گوناگون وجدانی خواهد رفت...." او شورش های شوم و نحس که منجر بر تسلط حبیب الله کلکانی و حلقه او گردید "منحوس ترین روزگار وطن" میداند که واقعیت هم چنین بود. او علل شورش را نه به علت "رمیدن ملت از اصلاحات و تعلیم و تمدن" بلکه نتیجه سوء اداره متوالی همان دوره" می شمارد.

دکتر عبدالرحمن زمانی در رساله شان (بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس) با افشای بیشتر و بیشتر حقایق در سقوط دوره امانیه پرداخته و کارنامه های حضرت محمد صادق خان مجددی، فضل عمر خان مجددی (حضرت شور بازار)، قاضی عبدالرحمن پغمانی، قاضی فضل الحق، قاضی عبدالقادر پغمانی، عبدالحنان و محمد حیان پسران قاضی عبدالرحمن و هم سردار عبدالعزیز وزیر حربیه، سردار شیر احمد شیرزاد، سردار محمد عثمان، سردار عبدالقدوس اعتماد الدوله، سردار شاه محمود و سردار هاشم برادران نادر خان، سردار احمد شاه خسر اعلیحضرت ظاهر شاه، والی علی احمد لوینباب (پسر ماما و شوهر خواهر امان الله خان)، والی احمد علی لودین، محمود سامی و امر الدین یا امیر دین (جاسوس بریتانیه) حکمران جنوبی، محمد گل مومند و دیگر مار های پر خط و خال داخل دربار و خیانت آنها پرده بر میدارد او نامه را که سردار شیرزاد به حافظ سیف الله نماینده بریتانیه سپرده نقل مینماید که:

"منتظر آن روزی هستید که کابل توسط حکومت انگلیس ها اشغال شود و افغانستان توسط یک سیستم معقول حکومتی اداره شود" ¹¹

اولسن در ادامه می نویسد که: «طوری که در فوق اشاره نمودیم فضل عمر نورالمشایخ لقب حضرت شوربازار را پس از مرگ برادر خود فضل محمد شمس المشایخ در 1923 بر خود گذاشت او بر خلاف برادر خود از آغاز با امان الله مخالفت نموده و در اعتراض به سیاست های اصلاح طلبانه امان الله به میل خود به تبعید در هند بریتانوی رفت» ¹²

و در زمان اغتشاش حبیب الله کلکانی برادرش فضل عمر مجددی برای حفاظت و چوکیداری سفارت بریتانیه در کابل رفت. سفیر بریتانیه به وزارت خارجه شان نوشت:

«من امشب تدابیر احتیاطی خاص گرفته ام. «محمد عثمان خان» والی سابق قندهار و «حضرت صاحب شوربازار» یک خانه کوچک بیرون از دروازه سفارت را اشغال نموده و به من پیغام فرستاده اند که ما در این جا می مانیم تا شما را در شب از دزدان

حفاظت کنیم" ???

«اسناد آرشیف تلگرام شماره 46 - 14 جنوری 1928 از سفیر انگلیس در کابل به وزارت خارجه» ¹³

روی همین دلایل بود که آگاهان و روشنفکران آن وقت کشور بخصوص کابل این حضرات مجددی را نماینده انگلیسها میدانستند چنانچه خاطره از یکی معلم در لیسه امانی به اسم قاضی عبدالظاهر خان سامی پغمانی کرباس پوش معلم عقاید و عربی روزی به ارتباط درخواست یک شاگردش چنین نقل شد که :

« روزی مرحوم نیرنگ که در ضمن شوخی های داخل چوکاتش معروف ترین بچه های هم دورش بود خطاب به قاضی صاحب میگوید استاد خبر دارید ما کابلیان امروز دو شخصیت نام دار را از دست داده ایم و آرزو مندیم اجازه

11 - دکتر عبدالرحمن زمانی - بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس - د مومند خپرونو تولنه شهر جلال آباد ص 348.

12 - اولسن ص 138

13 - زمانی ص 384

دهید و ما را همراهی هم کنید تا در تدفین این دو شخصیت اشتراک ورزیم، که در دم استاد می پرسد کی ها فوت شده اند که نیرنگ در جواب می گوید یک استاد قاسم افغان که قاضی صاحب بعد یک ژست خاص می گوید ای وای کمر موسیقی افغانستان شکست و به شتاب می پرسد شخصیت دوم کی است که مرحوم نیرنگ در جواب می گوید نورالمشایخ حضرت صاحب که بعد شنیدن این خبر هولناک قاضی صاحب دست به کمر می برند و به چوکی می نشینند صدا می زنند آخ، آخ امروز کمر انگریز هم در افغانستان شکست.»¹⁴

انیس بعد به سراغ "دست غیر در تهیه اغتشاش" می رود او با نهایت دقت و فهم با وسعت نظر و دانش بی انتها وضع سیاسی کشور بخصوص بعد از استقلال را با تمام مشکلات تماسها و حفظ موازنه ارزیابی نموده مینویسد:

" گویا از تاریخ مستقل شدن افغانستان اداره کردن سکان سیاست ان از مشکل ترین شئون اداریش بوده است.

چیزی که به این همه مشکلات میافزاید خطرناکی غلط کردن در بین شعبه است زیرا قرن اخیر سیاست غربی ها در صحنه مشرق این را نشان داده است که اندک سهو یک دولت شرقی در مقابل سیاست غربی با کمال بیرحمی آنرا تباہ و فنا نموده، زیرا غربی ها را در هر چیز متمدن و با اعتدال میتوان گفت، الا در مفاد های سیاسی شان که از مرتکب شدن هیچ تعسف و جبر کوتاهی ندارند.

... اگر چه ما انکار کرده نمیتوانیم که هر دو دولت همسایه در اثنای اغتشاش در شئون داخلی دست انداخته باشد و علامات زیاد این را نشان میدهد..."¹⁵

انیس به یک نکته مهم دیگر که عبارت از تبلیغات و پروپاگند های خصمانه قبل از شروع شورش شینوار تا جریان سفر اعلیحضرتین به اروپا و آغاز شورشهای حبیب الله کلکانی هم اشاره میکند که چگونه بطور سیستماتیک و متشابه و همزمان عملی میشد که این خود واقعتاً ترتیبات انسجام و ارگانیزه بودن آن را نشان میدهد که چنین کاری از دست افغانها آن زمان ناممکن بود و نه آنها امکانات این را داشتند که در چهار گوشه کشور در عین زمان موضوع مشابه را تبلیغ نمایند، توجه فرمائید :

" مثلاً در طبقه عوام هر روز افوہات عجیب سروده می شد از قبیل اینکه آذان دادن موقوف خواهد شد و مسجد ها را حکومت بسته کردنی است و یا پادشاه کدامی از نوات ذیروحانیت را تحقیر و یا توهین کرده است و غیره آن افوہات مختلف دیگر که عیناً همین افوہات نه تنها در کابل بلکه در لہوگر و شمالی و عموم سمتهای دور و نزدیک مرکز به یک قالب و عبارات منتشر بود....."

این مطلب را از زبان مردم شمالی در وقت گرفتن کابل شنیدند و عین مطلب را در لہوگر حتی در گوشه های سمت جنوبی و مشرقی شنیده بود " چنانچه وقتی که اغتشاش خاتمه یافت و اهالی بجوقه ها از هر طرف برای بیعت کردن میآمدند شایع بودن همین فقرات را در بین شان خبر شدیم."¹⁶

آر. تی. ستوارت (R.T.Stewart) نوشته که "سه روز بعد از آن که «شاه امان الله» بمنظور سفر اروپایی خود، وارد هند بریتانوی شد، انگلیسها برای حضرت «فضل عمر» (نورالمشایخ) که در سر هند بود و باش داشت، اجازه دادند که وارد دیره «اسماعیل خان» {مرکز پیروان سنتی خود} گردد و او در تاریخ ۱۸ دسامبر به دیره «اسماعیل خان» وارد گردید و از این جا تبلیغات بر ضد «شاه امان الله» و اصلاحات او را در میان کوچی های غلزائی دو باره آغاز نمود. هندی ها و افغان ها می گفتند که ورود مجدد نورالمشایخ {شیر آغا} در دیره «اسماعیل خان» به دستور انگلیسها صورت گرفته است، زیرا او در دیره «اسماعیل خان» صاحب دو خانه بود، یکی از این خانه ها را یک اجنت انگلیسی در اختیار او گذاشته بود. ملا ها و مرید های و هواداران نورالمشایخ از افغانستان نیز بیدار او به اینجا می آمدند و او

14 - سید حسن رشاد - خاطر ت - فیس بوک 17 جنوری 2017

15 - محی الدین انیس - بحران و نجات - طبع دوم 1378 ش سبا کتابخانه مرکز نشراتی میوند پشاور ص 25

16 - انیس ص 55

طرح خلع «امان الله خان» را بآنها تبلیغ میکرد و نقش بغاوت را به ملاها توضیح می نمود و بخصوص مردم خوست را برای بغاوت و شورش علیه شاه آماده میکرد.¹⁷

در باره تبلیغات و پروپاگند های خصمانه بیرون مرزی علیه نهضت امانیه فوتو های جعلی ملکه ثریا و پخش آن در داخل کشور استا اولسن نوشته که :

« در اوج این نارضایتیها، افوهای در مورد سفر شاه به خارج نیز پخش شد مطبوعات هند تبلیغات وسیعی را در باره این سفر براه انداخت و جرایدی که به افغانستان می رسید حاوی تصاویر ملکه بود که بدون حجاب در ممالک خارجی سفر می نمود. نماینده تجارتي افغانستان در کویته که ضد امان الله بود تمام جرایدی را که این بی حجابی ملکه را شرح می داد خریده و به کابل می فرستاد»¹⁸

دکتور زمانی به سندی که از طرف سکات مسؤل استخبارات انگلیسها از دفتر استخبارات بلوچستان بتاريخ 21 فبروری 1928 به دهلی فرستاده شده بود دست یافته که نوشته بود نماینده تجارتي افغانستان در کویته که ضد امان الله است :

"... این شخص تمام اخباری را که عکسهای روی لچ ملکه افغانستان را نشان میدهند، به مجرد دستیابی خریداری نموده به افغانستان می فرستد او یک روشی را که آگنده از نفرت است به مقابل ملکه در پیش گرفته است..."¹⁹

خانم دکتور سنزل نوید، سابق استاد پوهنتون کابل در ارتباط، خود نقل می کند:

«روابط احتمالی با حزب قندهار»

از این گذشته قاضی محمد اکبر قندهاری که من از معزولی اخیر وی در خاطرات نمبر 5 سال 1928 و از رسیدن وی با بریدگیر عبدالعلی به چمن در خاطرات نمبر 55 سال 1928 خویش اطلاع داده بودم، در 25 ماه جاری کویته را به قصد لاهور ترک نمود. زمانی که قاضی محمد در کویته بود اشتباهات متذکر شد که قصد داشت حضرت صاحب را در لاهور و یا دیره اسماعیل خان ملاقات کند. من برای اینکه بتوانم حرکاتش را زیر نظر داشته باشم، شخص مورد نظر را به صفت خدمه به همراهی وی اعزام داشتم.

حضور قاضی محمد اکبر در این ملاقاتهای دیره به وجود تفاهماتی در بین احزاب سمت جنوبی و قندهار دلالت میکند. محمد اکبر خود دریافت که تذکر این نکته که می خواست با حضرت صاحب ملاقات نماید، اشتباهی بیش نبوده . او بعدها کوشش کرد تا اثراتی را که از بیان این مطلب بر جای گذاشته بود، از بین ببرد.

هر گاه چنین باشد، من می گویم که نماینده تجارتي افغان در کویته نیز از این موضوع نگران است زیرا او نیز به همان حزب است که محمد اکبر، عبدالعلی، و مستوفی سید حبیب در آن اشتراک دارند.²⁰

جورج آرنی که بحیث خبرنگار بی بی سی در سالهای 1986 - 88 در باره افغانستان گزارش تهیه می نمود نوشت که:

¹⁷ - اکادمیسین سیستانی به نقل از «آتش در افغانستان»

¹⁸ - اولسن 142

¹⁹ - دکتور زمانی ص 342.

²⁰ - اعظم سیستانی - شاه امان الله، اصلاحات و روحانیت منتفذ - ص 205 به نقل از {داکتر سنزل نوید Senzil Nawid - استاد پوهنتون آریزونا - افغانستان در عهد امانیه واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی زمان سلطنت امان الله خان 1919 - 1929، ضمیمه پنجم}

http://www.afghan-german.net/upload/elmi_bibliothek/sistani_sha_amanullah_wa_rohaniyate_motanafez.pdf

«هنگامی که او (شاه امان الله خان) در خارج بود توطئه گران محافظه کار دست به مخالفت زدند و او را غرب زده خوانده ریفرم هایش را غیر اسلامی توصیف کردند. شایعات پخش گردید که پلان جدید پادشاه عنعنه های افغانی را نابود می سازد. در عین زمان عکس های ملکه ثریا که حجاب نداشت و لباس شبانه را پوشیده بود مخفیانه توزیع می گردید. هواخواهان اسلام هنوز هم از همین تاکتیک استفاده می کنند...»²¹

«تلاش بیشتر انگلیسها متوجه بی اعتبار ساختن حکومت کابل شد. هند بریتانوی سعی بر این داشت رژیم کابل را به بی ثباتی داخلی مواجه سازد.»²²

بر اساس پلان بریتانیا و همکاری وسیع روحانیت (مجددی ها - سید حسن نقیب صاحب - اخندزاده میا گل تگاو و پیروان و مریدان شان) و خائنین داخل دربار نهضت امانیه ورشکست شده و دور انتقالی و سرپرست حبیب الله کلکانی استفاده شد و انگلیس ها بیشتر متوجه نادر خان و برادران بودند:

ادامه دارد

²¹ - جارج آرنی - افغانستان گذرگاه کشور کشایان - مترجمان پوهاند سید محمد یوسف علمی و پوهاند حبیب الرحمن هاله طبع سبا کتابخانه پشاور خزان 1376 ص 18

²² - سید رسول ص 109